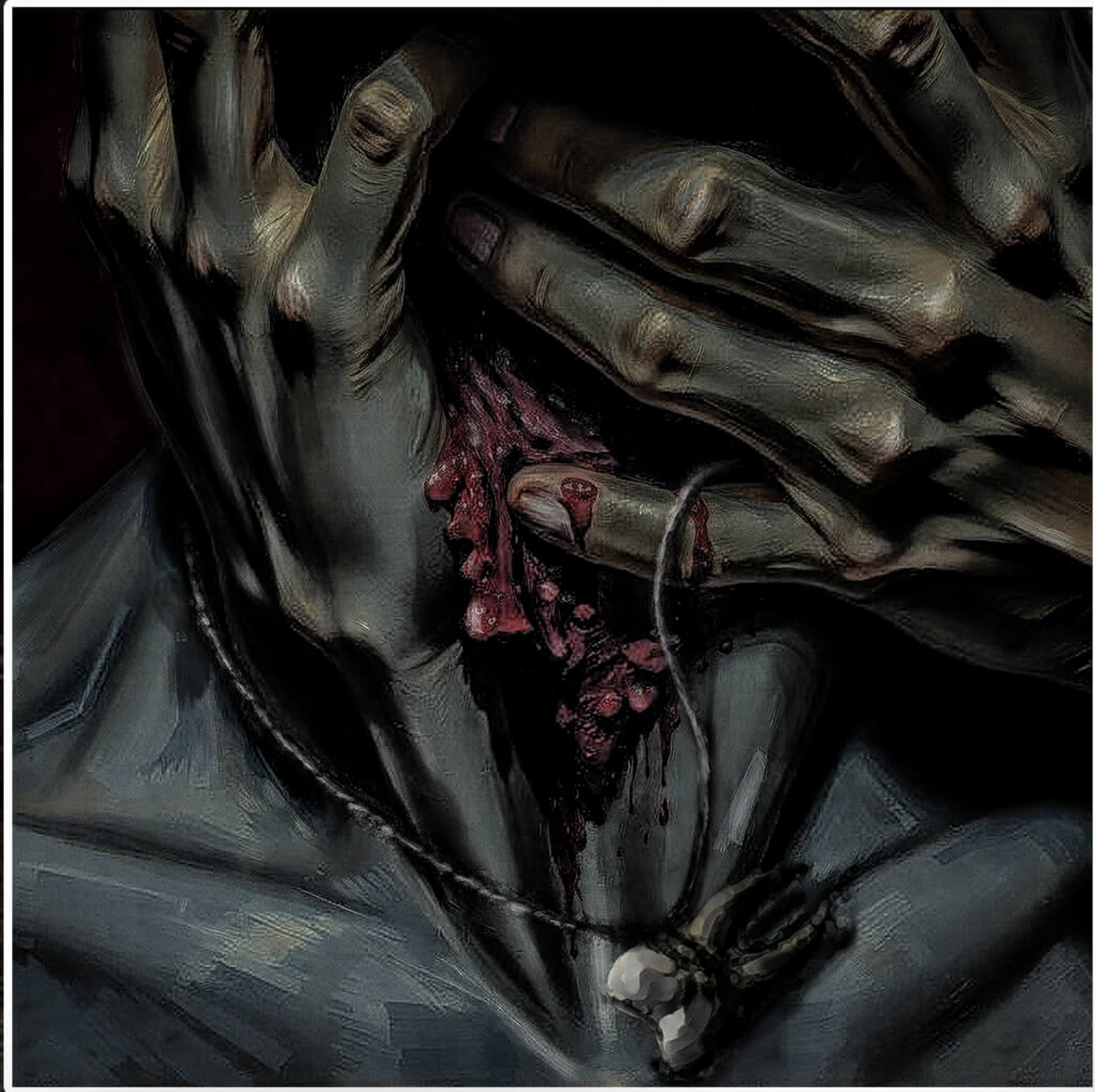




مجموعه

آلبوم بلند مجسمه از سورنا

۱- مجسمه



شعر و اجرا: سورنا

آهنگساز: سعید دهقان

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ

همخوان

به جز مرگ که بی سایه است
این جهان نمادین انعکاس سرمایه است
چی می شد انتهای حرفام؟
سرمایه من اینجا این شعره تنها
مهم نیست چقدر تنهام
مهم اینه ایستادم رو متن حرفام
بمالید بمیرید عاقبت به فرمان
من قمار کردم رو تنم واسه نبض جریان

بخش اول

با همین خطر کشیدم تو قفس های آهنین نفس
زندگی حاصل تخیله
و باور منم یه بخشی از خودت
پس همراه شو با من این سفر
تو کارگاه من که پر تنه
و خواستم از لحظه های زندگیم مجسمه بسازم
آخرین گلوله واس آخرین بدن
بدنبال گل می گشتم واسه آخرین اثر
با تیشه و کارد و رنگ و قلم برنده
واسه گل افتادم بدنبال بدن گذشته
بعد عبور از اتاق های سحر
خونه ام رو کشیدم سمت کارگاه شعرم
یه کوه خمیر رو پینه می زدم
و گوشه های اضافه اش رو کارد و میله می زدم
نقش تو ذهنم بود باید در بیارم از توش
صدای آه میومد تا تیشه می زدم
پدر چیزی نبود به غیر من
و منم چیزی نبودم غیر طرحم
تیشه می زدم افسوس منو برد
که فردا رو باید از تن دیروز در آورد
حس ناب آزادی سفر نور از دور
عبور از یه قفس تو در تو
تجسمت تو لباس عروسی قشنگ بود
تو دوست نداری تن مجسمه می کنم تور
رقصیدیم با اندوه
رقصیدیم با هم نور
زیبا ترین دختر دنیا تو بغلم بود
رقصیدیم با هم نور

تا

صدا اومد از تو کارگاه
تیکه ها وا شد و ریخت
مجسمه لق شد
کلی دست و پا شد و ریخت

همخوان

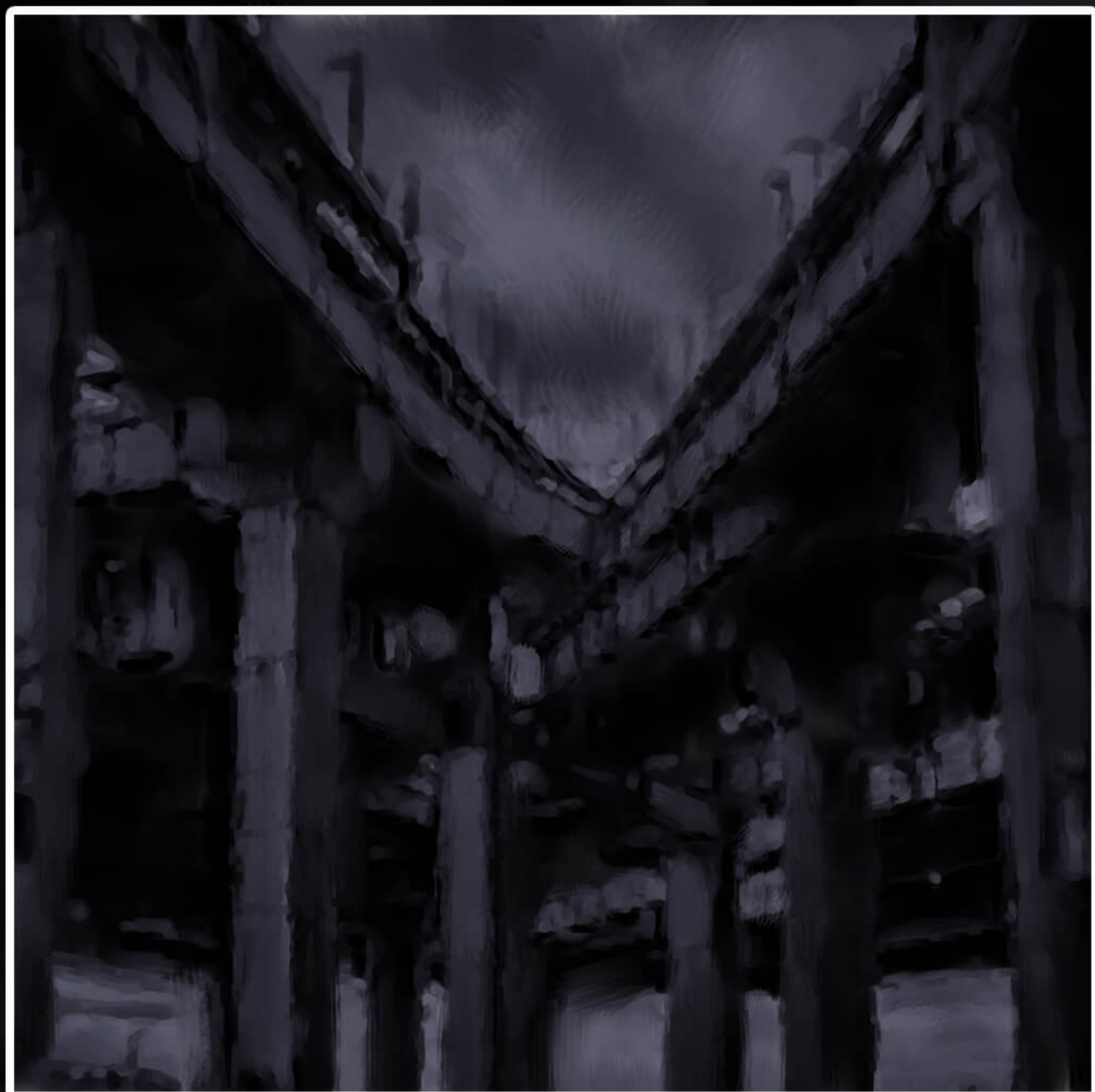
و به جز مرگ که بی سایه است
این جهان نمادین انعکاس سرمایه است
چی می شد انتهای حرفام؟
سرمایه من اینجا این شعره تنها
مهم نیست چقدر تنهام
مهم اینه ایستادم رو متن حرفام
بمالید بمیرید عاقبت به فرمان
من قمار کردم رو تنم واسه نبض جریان

بخش دوم

نوشتنم زنده باد انسان
زنده باد اختراع و امکان
زنده باد ابزار و صنعت
بالاخر از هر لحظه اکتشاف و عرفان
دیگه منم و حس دوباره پر از ترس
دقیقا وسط تیکه پاره گذشته ام
با تیکه های ریخته هم دوباره میشه چید
چیدم این بار کسی آه نمی کشید
بیا تا تگرگ ها برقصیم
تا انقلاب برگ ها برقصیم
دستم رو میذارم توی دست های بی حرکت
تکونت می دم تا با رقص دست ها برقصی
تو اختراع من تا تمم بیا
بذار حس رقص با تو تا تنم بیاد
می رقصم باهات وسط گلوله و موشک
از چشمت بوی قلب مادرم میاد
واسه رقاصی که رقص رو یاد بیره
عشق یعنی پاش رو کجا بذاره
با لحظه ای گناه و اضطراب ساده
رقص می میره آگه پاش رو اشتباه بذاره
گفتم تو زیبایی قد ساغرم
من با تو ساخته شدم تو فصل آخرم

من زاده شدم از لبخند زیبای تو
چرا که ساخته بودمش از رحم مادرم
حس خفگی با بوی آلومینیوم
تو یه قفس سربی پر گاز لیتیوم
فرار می کنم و پشت سرم توی صحنه
یه هیولاست پی کشتنم تو این جعبه
در رفتم با تن یخ زده ام بی جون
اما تصمیم گرفتم که از این در نرم بیرون
من تو رو از وسط پوچی خلق کرده بودم
وقتی ساخته شدی همون زد ازت بیرون
پتکم رو برداشتم و زدم توی سینه ات
یه تاریخ از استبداد پاشید رو پیرهن
با اره بریدم اجزات رو از نو
من دستهام آلوده است به خون تخیل
اما نه مسیر و آغاز و پایان من غلط بود
نه اکتشاف و اختراع من غلط بود
من انقلاب رو دیدم با روح و جویم
دیدم که ماده خام من غلط بود
هر انقلاب نتیجه گناه جسور هاست
خیر رقص با خدای شرورا است
من آتش گداخته و مذاب تنور هام
من خدام خدای خدا و هیولام
پایان

۲- بادهای وحشی



شعر و اجرا: سورنا

آهنگساز: فرشاد

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ

بخش اول

تو گرگ و میش شهر زوزه باد های وحشی
تو سکوت بلوکهای سرد بی آغوش
سازه های آهن خاموش
صدای شلیک محکم
جر میده سکوت دلگیر لکنت رو
پنجره های بی میل میشه روشن
پر میشه جمعیت ذوق و همه
پر از بهت و خبر
سُره حقیقت و سسته منظره
زیر روایت پشت پنجره
ادامه داره روایت سست قتل
همه سکوتی که خورده شهر شب
با هزار دهن مرده نقش صبح
بالا میاره با یه عق تلخ

همخوان

این قصه نو یه قتله
بعد دکور کشف

قاتل حقیقت رو سپرد به مقتول
و مقتول اون رو سپرد به قبر

قسمت دوم

میگذره زمان با سیری که ثابت

پلیس پیگیر قاتل

مجرم محکمه است اگه زبونش بگیره شاهد

مختومه کردن به دروغ قتل رو

تا زبون اشاره رو شنود ترسوند

کوروکی جنازه رو کشیدن

تا دور محل حادثه رو یه ورود ممنوع

همخوان دوم

می زنن طبل و بعد کل

سیاه پوشهای محکمه

می کشن دست رو از کتف شاه قتل همه

قسمت سوم

شهر یخ زده فردا لای مه دود می دید غلیظ

تیکه های پوشیده مردمی

که می خوردن به هم می ریخت زمین

از ریشه های مدام یه شهر

تو زجه های مذازش

می ریزه به خارش

تو لته های جذامش

می رسه به سوز مردن

فرزند نفوذ قدرت

تو سکس یه شهر و معشوقه مرگ

رو لباس عروس مرده اش

این بغض یه سوز کهنه است

امتداد روز مرده است

می بلعه رویش رو مرگ

زیر این زمین یه گور کهنه است

همخوان سوم

ارتش نوزادان از ته کوچه با حمل تابوت یک شهر

قامت مرده و خورده به جذام صد سیاه پوش نفرت

پایان

۳- خانه سرخ

اجرا: سورنا، سارابیگدلی شاملو

آهنگساز: سعید دهقان

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ



بخش اول

قصه های تازه توی این فصل از سرما
تو مرزهای آلوده به وهم
اتوبان های دود توی رحم پلهای زور
شهری در حال ریزش توی یخبندان
قصه مردان زنان بدون امکان
هویت های پاره گم سر گر دان
سرخ به رنگ خونه جرم به رنگ زندان
قصه سرد یه انسان توی شهر نا شهروندان
قصه تنها ترین قامت
کنار اتوبان تو ژرفا ترین ساعت
تلخ اما از جنس فردا ترین باور
که بلند پروازان سقوط می کنن
با دردناک ترین حالت
نگاه کرد با درد به خونه های دود اندود
عبور کرد از بین کوچه های تو در تو
رسید به ایستگاه با قطار های مجروح
بعد جسد یخ زده یه پیرمرد رو سکو
از اون طرف ریلها که به زیر یخ مردن
از سکوی رو به رو بهش زل زده بود سرگرد
بست چشمو به رویا با نبض بی نیازان
که تنگی خونه های سرخه خیال رویا سازان

همخوان

می افتاد نقاب
می رقصید عصیان
می شورید انسان
بی روزگارم
به زخم تو دچارم
من از تو بیزارم
از پا به سر آوارم

بخش دوم

به سرزمین بیمار با بیمار های شیفته
به دست های زور که تو ابرها آویخته بود

صورت های استخوانی خیره به یه پنجره قفل
ولی معلق با دیوار های ریخته

مرز های وهمی زیر اخطار و زور یعنی
طناب های هم عصری واسه اعدام هر تغییر
می رسید خورشید وسط خاک این دخمه
اما داس تحجر داد زد که امکان رشد هرگز
بنویس از توی صحنه
از دستور قتل گلها
توی این مخروبه نفت و گلوله های پوچ پره که دنیاتون
یه آسمون کوتاه شد
اخراجی از تقویم واسه افق فردا
باید کوچ کنه به رویا
ما عمل کردیم توی زندگی با اشباح
شما رفتار می کردید طبق قانونتون تو هنجار
جمع شما بودید با دفاعیه خدایان
وای به ما اگه خود بسازیم از آینه شما ها
من فکر می کردم بعد هر سفر گناه است
اینه تلقین به ماجراجوها تو زمان ترک این مرداب
ما شکافیم انسان
پر جای دندون گرگ ها
این جا الکل یه مرهم شد
.. شاید چسب زخم رویا

همخوان

می افتاد نقاب
می رقصید عصیان
می شورید انسان
بی روزگارم
به زخم تو دچارم
من از تو بیزارم
از پا به سر آوارم

پایان

سرزمین برتر

شعر و اجرا: سورنا

آهنگساز: سعید دهقان

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ

همخوان

سرزمین برتر

خون میل له له

نور سحر جنگل

می ناله رویش زیر پوتینا

می ناله زیر پوتینا

سرزمین برتر

خون میل له له

نور سحر جنگل

می ناله رویش زیر پوتینا

می ناله زیر پوتینا

بخش دوم

دو سیاه پوش ازدحام

خشم جنون انتقام

حاضرین هیجان انتظار

بلندگوها و زنده باد

برده ها رو با بوی اسفند

کشیدن تا بیخ لای خون

سرهاشونو می بریدن

مردم دست هاشون رو به آسمون

یکی از برده ها تو یه آن زد

زیر ساطور جلاد همه با خشم

داد می زدن اون با همه باور

می دوید با کلی تاول پاره اش

آزادی رو حس کرد چند ثانیه تو قفس لاغر آهن

زدن با میله تو دندونش شکست

افتاد پیش پای من آخر کشتنش

همخوان

با له له

تو سرزمین برتر

نور سحر جنگل

می ناله رویش زیر پوتینا

می ناله زیر پوتینا

بخش سوم

یه سرخ پوش با لهجه گنگ

از لای لخته سرب

گفت این آخرین مرحله است

بخش اول

آفتاب می زد داغ می سوخت

بازار به تکرار می خوند

آواز خون لای خون

قصا با تو با کنده هاشون

بیرون داد می زنن جاکشاشون گوشت

یکی میگه راه بده

اون یکی میگه خودتو جا بده

خون می ریزه روی لباسشون

خالی کرد یه کامیون بارشو

توش میله وقفس حصار فلز

می سازم باهاش یه داربست

می کشن رو زمین دایره

روش پلاک شد مراسم نور

من از عابرا می ترسم

همون لا به لا می چرخم

تو راه رو وا می کردی

پی جای پات می رفتم

ثبت کردی شعر شکست رو

غرفه به غرفه

لای سرب و روغن

بیت به بیت جمله به جمله

تا یه نظامی صدام زد بچه بیا

تو ایستاد از فرط خستگی پات

زیر چشماش زخم سیاه

گفت منم مثل توبود بچگی هام

عصر مراسم نوره

گوشت میدن بخت با بچه بیا

تو کشیدی من رو من درد کتفم

گفتی کمک نمیخوایم

یه شهر پر بوی مورفین

غرفه ها بسته تا روز بعد

غروب چاقوش رو کرد تو گلوی ظهر

پخش شد تو آسمون خون خورشید

بر میدون یه محوطه

یه حصار با فنس های تور

باز شد در رفت تو کامیون

اینجا مراسم نوره

همخوان

سرزمین برتر

خون میل له له

نور سحر جنگل

می ناله رویش زیر پوتینا

می ناله زیر پوتینا

سرزمین برتر

خون میل له له

نور سحر جنگل

می ناله رویش زیر پوتینا

می ناله زیر پوتینا

پایان

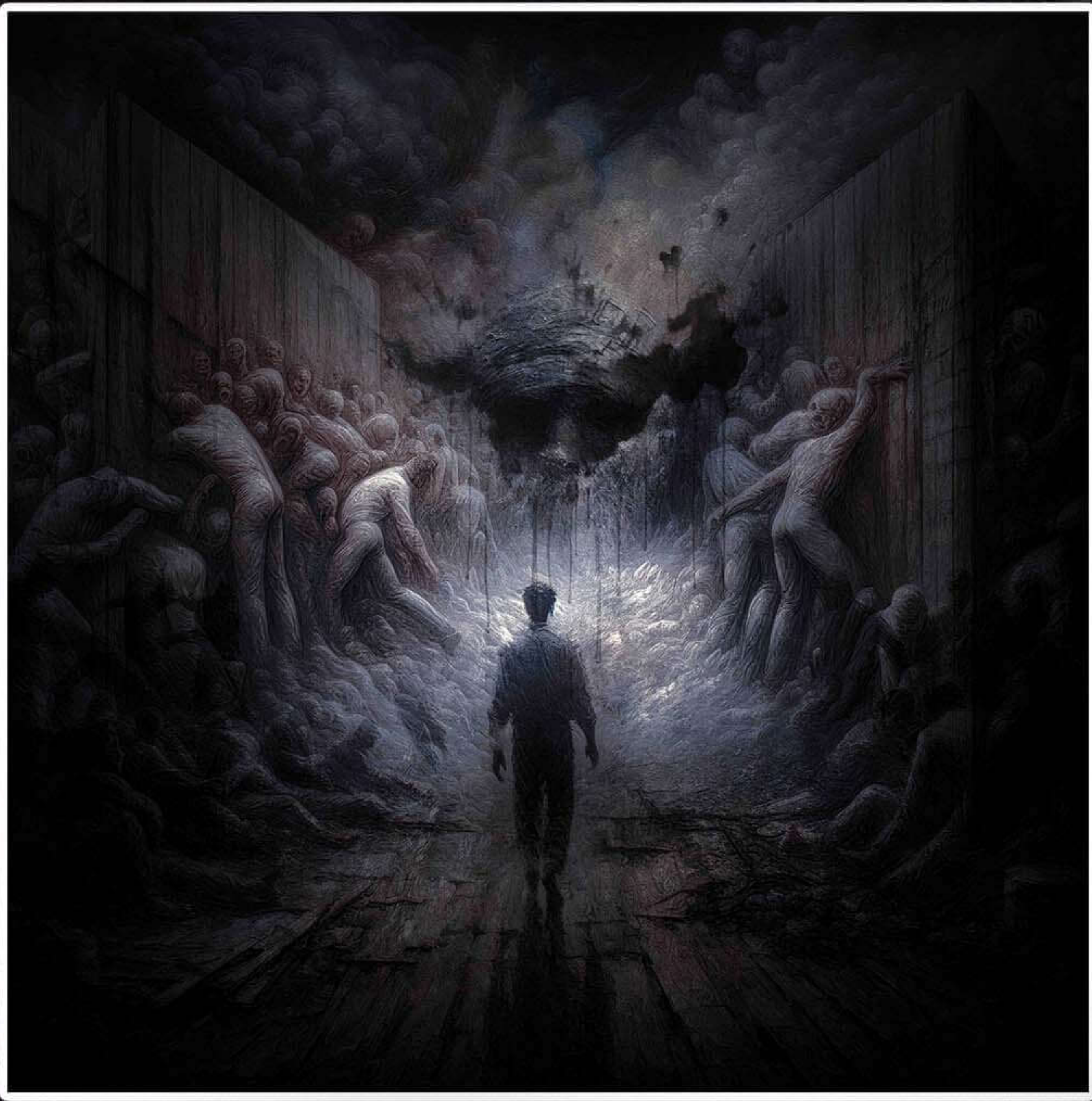
۵- بندباز مست

شعر و اجرا: سورنا

آهنگساز: سعید دهقان

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ



بخش اول

از وسط هر چی شره
با نفس سمی تر از همیشه
بنویس از روزایی که سمی تره
میاد نوبت رقصیدنت
اینو بذار تو سینه ات بی صفحه
همه تهدید های جعلی خفه
من شعر می کنم جرمم رو

.. تا بفهمی چطور میشه کرد رم بی رمه
یه فرد با دکور گرم

انفجار اتم ملودی بود و متر و هدفونم
دل و نیروی ترانه ترور و لمس صدا گناه
دیدم یه زخم تو گتوی خودمم
اما مبارزه نمی شد با طعم سیانور
شعر سرفه کف خیابون بود
زوزه کشیدم و خورده شدم

این عمیق ترین تنهایی معیشه قانون
راهی که بی تهِ پام رو گاییده بی امونم
خود قانونی تو آدمایی که بی زبونن
اون راهی رو که می رسه به فایده بده بره
من شاعرانه رقصیدم باینری نبودم
تفنگ شعرم رو هپروت شقیقه ات
کولی ملکوت قبيله ام

پر از اضطراب و ترس و تنهایی
واسه ساخت مجدد تو برهوت حقیقت

به غیر حس که دارم
چیز دیگه ای ندارم که واسش اسم بذارم
رسیدن یا بوسه داغ مسیر ؟
لباس و جیب ندارم توش آدرس بذارم
بین دستتو بده طوفان رو یاد بگیر
ساخته نشده واسه فاخته تیری

ما ساختمونامونو به باخت که می ریم
تازه می ریم حیات وحش رو به تاخت بمیریم
منو تهدید می کنید ؟

شما یادتون نیست صحنه کجاست

هنوز درگیر اینید در قلعه کجاست؟

ما خدای همه شما ییم
از اون آدمایی که دکور ندارن
زندگیشونو می جون تا که فرم در آرن
پس به لاشیا بگو که گل نیارن
وقتی تخم ندارن هنوز کلت در آرن
ولی...

همخوان

زندگی کردم

مثل شیر

از جنگ نترسیدم

نعره کشیدم

لاشخورا می رفتن

اگه درنده نبودم بهم نمی رسیدم حقم

اگه درنده نبودم بهم نمی رسید حقم

زندگی کردم

مثل شیر

از جنگ نترسیدم

نعره کشیدم

لاشخورا می رفتن

اگه درنده نبودم بهم نمی رسید حقم

اگه درنده نبودم بهم نمی رسید حقم

بخش دوم

یه گله گفتار اندازه ترس

هم رو له می کنن دارن یه برنامه تَش

زیر طناب فردا یه بند

منتظر سقوط بندباز مست

اینا نمی جنگن هم پای جنگ

سرشونو می خارونن خمیازه تَش

پاشون سفت میشه رو زمین اجداد امنشون

جاده شون خطای قطع تَش

از بالا زُلّت رو بخون

همینه تخم میخواد تا بدی خودت رو نشون

زندگی آدمایی مثل ما جنگه

راجع به ما گه نخور
بده دمت رو تکون
مستی میره دا نقطه جوش
می شه بند باز پیش روش بشه تار
انگار که از هوش بره
پاش رو به اشتباه بذاره کنار طناب
ولی بر می گردیم به طناب
زندگی با لحظه ناب سقوط
دور از چرخه خواب
یه نقاب که نموند پا به پام

هنوز زنده ام

از همون جام ناب هیجان مستی

که شرورانه بام

رو طناب سقوط می رقصه

ما زنده ایم حروم زاده ها

از مزه خطر اسانس سقوط

دور از جعل و شانس اصولتون

ما محصول کشتار عظیمیم

با صدای فرکانس گلوله

و هنوز می زنه چنگ

این زنده می تپه رنگ

بنویس جریان ما زنده است

ماییم دکمه کنده پیرهن شهر

همخوان

زندگی کردم

مثل شیر

از جنگ نترسیدم

نعره کشیدم

لاشخورا می رفتن

اگه درنده نبودم بهم نمی رسید حقم

اگه درنده نبودم بهم نمی رسید حقم

زندگی کردم

مثل شیر

از جنگ نترسیدم

نعره کشیدم

لاشخورا می رفتن

اگه درنده نبودم بهم نمی رسید حقم

اگه درنده نبودم بهم نمی رسید حقم

پایان



۶ خواب در خواب

شعر و اجرا: سورنا

آهنگساز: سورنا، سعید دهقان

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ

بخش اول

سرد بود و تنها
کجاست اصلاً راه؟
بخ زدن چراغ های شهر
لکه های خون رو گرفتم تو برف ها
از کنار فنس ها
از بلوک های تنها
تلخ و بی خونن
این خونه های بی صورت
عمیق و تیز و برنده است این زمستون
خیس و به چرک آلوده بود
یه نور کم سو ته دالون روی تابوت
کم کم درد بودن
می زد به دندونم
خودم رو با الکل از خودم پوشوندم
خوام گرفت و گفتم زیر لب هام
آدما همه مثل هم می افتن از پا

بخش دوم

اتاق های گاز
صدای سایش ناخون جذامیان روی گناهان
در فولادی .. خفگی جمعی
کسی اینجاست واسه مداوای ما؟
برق می زد رو شونه اش
درجات مرگ
سرگرد اعدام می کرد
نفرات به صف
صف پشت صف اعدام خفقان و تب
تا برگشت خونه تا روز بعد نفرات بعد

بخش سوم

به یه کلبه توی جنگل
یه زن پشت یه پنجره خیره به منظره
صدای پا
زن چرخید

یه کلید تو قفل در چرخید

در باز شد
اومد سرگرد رو شونه اش ترفیع
سر میز شام با اسلحه با پوتینش و سردوشی
پر از اضطراب لباس
خونه رو رو مین نمیشه پوشید
بعد شام تکرار
هم آغوشی از اجبار
زن نگاه کرد بی احساس
... با پوتین نمیشه بوسید

همخوان

چرک کرده تو سلسه مراتب
رو گسل زلزله فردا
خواب ... خواب در خواب
تنگنا در تنگنا در تنگنا در تنگنا
چرک کرده تو سلسه مراتب
رو گسل زلزله فردا
خواب ... خواب در خواب
تنگنا در تنگنا در تنگنا در تنگنا

بخش چهارم

سرگرد پرید با یه صدا
از تختخوابش
رفت سمت پنجره ها نرم و ساکت
آروم دستش رو برد سمت سلاحش
دید صدای باده تو سطل حیاطه
حل شد تو زخم روتینش
از سفتی بندهای پوتینش
اشک ریخت مست و نوشت
توی لحظه های جنگ
واسه بوسیدن باید اسلحه داشت
رفت به خواب

بخش پنجم

اتاق های گاز
صدای سایش ناخون سرگرد
روی گناهان
در فولادی .. خفگی فردی
کسی اینجاست واسه مداوای من؟
برق می زد رو شونه اش
درجات مرگ
سرهنک اعدام می کرد
سرگرد ها رو به صف
صف پشت صف اعدام خفقان و تب
تا برگشت خونه تا روز بعد نفرات بعد

بخش ششم

سر میز شام با اسلحه با تنهایی
و سردوشی
پر از اضطراب لباس خونه رو رو
مین نمیشه پوشید
بعد شام تکرار
خود ارضایی از اجبار
سرهنک بی احساس با پوتین
نمیشه بوسید
همخوان
چرک کرده تو سلسه مراتب
رو گسل زلزله فردا
خواب ... خواب در خواب
تنگنا در تنگنا در تنگنا در تنگنا
چرک کرده تو سلسه مراتب
رو گسل زلزله فردا
خواب ... خواب در خواب
تنگنا در تنگنا در تنگنا در تنگنا

پایان

۷- مورش

شعر و اجرا: سورنا

آهنگساز: سورنا، سعید دهقان

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ



همخوان

اما تو باز من رو بردی
تو این احساس من رو بردی
وقتی دونه دونه گم می شدن
این تو بودی که زخم رو شمردی
اما تو باز من رو بردی
تو این احساس من رو بردی
وقتی دونه دونه گم می شدن
این تو بودی که زخم رو شمردی

بخش سوم

مجلس آخر زخم و ارتفاع سراسر
من از استکانم ابا ندارم
دروغم یه جنگل سوخته از آتیش
دیدم اون بیرون درخت ها بهم اعتنا ندارن
ارکیده بی رنگ
پوست سوخته سربازا بود و

خورشید بی رحم

رسته بعد رسته خوجه بعد جوجه
یه صحنه آهسته از افتادن یه پوکه
تو امتداد شیب جاده فروکش شد نور
از آستانه هدف رسید طلوعت تو هوا
گلوله ها نقطه چین شدن دور حرکت
برش دادن اندازه حضورت رو تو فضا
گفتم بشکند عقربه ها رو
تا مکه دارید زمان رو از دوازده انفجار
سرجوخه از پشت عینکش نگاه می کرد
که احمق زمان بزرگه ساعت رو بذار کنار
ساعت انفجار یعنی رسیدن به
حد و مرز قیام ملتها
بعد فریاد هی از گلوی توده ها
پرت شدم مست تو یه صندلی میون باغ
!این بیرون بهتره تو باد سرد
آها موافقم
آخرای لحظه های خونین تن بیمارم رو
محکم با قدرت کوبیدم به دیوار
یه جمع بودیم آزاده و تام
.. دفن شدیم زیر آوار جدام

پایان

بخش اول

بعد از تجربه تلخ زمان با صدای دیروز
من فکر میکردم که افق هنوزم پر احساس هست
ساز ما به کوک کج نشسته
صادقانه من یه کودکم که رویاهاش بی اندازه است
تو خط لحظه های باد و
درخت های زیتون تو امتداد شهریور
واسه زنده بودن من راهی نبود غیر تو
تو درک تن سیال هستی و سحر درد
من هنوز فکر می کردم ممکن
پشت سنگینی بال صدای پرواز هست
اون کودک که توی جنگ این پذیرشه
که ته دریا یه مرز سیاسی تازه است
دست نلرزیدم تا خرخره خوردم و مست نرقصیدم
گفتم ما قربانی های زخم دقتیم نه قدرت
گرم تر از پیرهن تو ژرف تر از سینه ات
جنگ نداد فرصت که بی تبخال بخندم
که به سایه های رقص پات خلخال ببندم
اما جنگ من با قدرته نه عاطفه
به غیر از این بدون که سرشار و مستم
که هر چی بشه زمینم زخمی بشه
یه زخم فرد رو یدک میکشه
یه دست خط تنها که سر بلند می کرد
با این که می دونست
واسه خودش طرح قتل میکشه
که وقتی که ماشه رو کشید دو سر نداره
شاید هیچ پاسخی سوا لمون رو برنداره
عشق پناهگاه بود یا که تابوت
اون که کشته شد منم ؟
یا اون که در فراره؟

همخوان

اما تو باز من رو بردی
تو این احساس من رو بردی
وقتی دونه دونه گم می شدن
این تو بودی که زخم رو شمردی

بخش دوم

از رمه های انسان تو شرمگاه تاریخ
تا ففس پر از رنج و زجه های تاریک
صف جذامیان و شلاق و تاریکی
و بلیط و خون و سرگرمی لخته لخته ها که ریخت
تا پرده بعد این تراژدی مبهم
هر تیکه جدام می شد یه دیوار محکم
به دست دیوونه های پا توی زنجیر
با خشونت و بردگی و شلاق و تحقیر
از مرز خرد و جنون به من نگو که
اخلاق چیزی نبود جز این تنش های سست
همون دیوار بینمون امروز تو هیئت لکنت
و ما خوب یاد گرفتیم الفبای مورش رو
حرکت از چشمه و شعر
تاریخی که می کشه بهشتش رو ریل
برسه به روزی که تو دل ببری
بز نیم به سلامتی عشق مدرن
پیک رو نه

دو تا به دیوار بینمون

تا دریا شه سیلمون

یا صحرا شه حسمون

یعنی یه بوته ای که به رقص من رسته

بگم شک دارم به طوفان

یعنی درخت من سسته

کجاش جرمه پاشه شعرمون به رقص ؟

اون بیرون که قد کافی جرمون دادن

من واسه تو می خوندم تا تو فقط برقصی

به ضرب مورش به دیوار بینمون با خشم

چشماتو ببند که آزادی صداست

از دل خشونت که نیروی ناکامی ماست

من دیگه این رویا رو میذارم رو آب

تو این بی عدالتی با قافیه ها

اما تو باز من رو بردی
تو این احساس من رو بردی
وقتی دونه دونه گم می شدن
این تو بودی که زخم رو شمردی

۸- دوپرخه

شعر و اجرا: سورنا

آهنگساز: سورنا، سعید دهقان

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ



بخش اول

مرده به دنیا اومد
کل زندگیش طرح بود تا تھش
میگه ته داستان چقدره ؟
جریمه اش رو بدیم به سازمان ملل ؟
من که باز پرس دیدم کل عمرم
انگار که شاه کش گذاشتم پشتم
هر چی بود گذشت ازم
دست نمی برم واسه تسلیم
وقتی که مست می شم
میکنم دوره این دنیا رو تھش
کل این گرگ ها رو من
می بینم غصه و تیر بار و جنگ
چند تا بچه شیر خواره
گیر داره عمرشون بیمار و زخمی تو هفت ماهگی
کل این تیمسارا چند تا سرباز گیجن که گم شدن
میگه چی میگی ؟

هی رفیقم دوپرخه خریده
میگم بریم میگه دو ترکه نه
هی دور میشه و دور میشه
انگار در حال فراره به جلو
ولی می بینه پشتش رو
تیرهارو رد میکنه میگه
بالاخره رسیدم به آزادی
ذوق می کنه می ره توی درخت یه دفعه
... می افته میفهمه چقدر کف کفه

همخوان

دستام بالاست

اما نه واسه تسلیم اما نه واسه تسلیم
من همه رو کشتم همه رو کشتم
با من بجنگید
راستی راستی قبل قصاصم
بذارید هنوز چند تا صحنه بسازم
ما نباشیم کیا توی عرصه بتازن ؟
نه ماها رو از یاد نبرید

همخوان

دستام بالاست

اما نه واسه تسلیم اما نه واسه تسلیم
من همه رو کشتم همه رو کشتم
با من بجنگید
راستی راستی قبل قصاصم
بذارید هنوز چند تا صحنه بسازم
ما نباشیم کیا توی عرصه بتازن ؟
.. نه ماها رو از یاد نبرید

دستام بالاست

اما نه واسه تسلیم اما نه واسه تسلیم
من همه رو کشتم همه رو کشتم
با من بجنگید
راستی راستی قبل قصاصم
بذارید هنوز چند تا صحنه بسازم
ما نباشیم کیا توی عرصه بتازن ؟
.. نه ماها رو از یاد نبرید

بخش دوم

وقتی مست میشم هنوزم مهربونم
کاش دشنام انقدر بزدل نبودن
اینجا کی آسه می ره ؟؟؟
! بشینه همه شاهن تاسه دیگه
می چسبوندید به هم پیشونی هارو
.. می رفت پایین اونی که اول گاز بگیره
نگاییدیم تاییدیه
کویریه هوای ما

غربی درد رو دیدم تو چشاش
گرفته بود کمرش رو میگفت یه قدم مونده بود
میخواد پاشه می گم بلند نشو
شهرداری می بره دوپرخه اش رو
میگه رهایی نثاره یه لحظه رو تاب
میاد آخرین لحظه تو لحظه آخر
تو جرمش می خوره حمل مواد

پایان

میگه من هنوز می خوام تو عرصه بتازم
آقای قاضی چه گرگیه توت
چقد. دروغه خورشیدتون
می رسه از راه یه شاکی نو
می فهمم دوپرخه اش رو
هم دزدیده بود
حالا این سوال هنوز ادامه داره
کیه که توی قلبش ستاره داره !
عشق اشتباه بود از اول
یا که اشتباهات منه ادامه داره ؟

همخوان

دستام بالاست

اما نه واسه تسلیم اما نه واسه تسلیم
من همه رو کشتم همه رو کشتم
با من بجنگید
راستی راستی قبل قصاصم
بذارید هنوز چند تا صحنه بسازم
ما نباشیم کیا توی عرصه بتازن ؟
.. نه ماها رو از یاد نبرید
دستام بالاست

اما نه واسه تسلیم اما نه واسه تسلیم
من همه رو کشتم همه رو کشتم
با من بجنگید
راستی راستی قبل قصاصم
بذارید هنوز چند تا صحنه بسازم
ما نباشیم کیا توی عرصه بتازن ؟
.. نه ماها رو از یاد نبرید

۹- انقلاب رنگ ها

شعر و اجرا: سورنا

آهنگساز: فرشاد

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ



بخش اول

یه زخم خیس تو تنم بود
یه راهرو جلوم بدون نور
از میون تنگنا گذشتم
از توی مه تن کشوندم
هیچ صدایی نغیومد
تا بوی نشت گاز
در رو هل دادم باز شد
رو تخت یه دست لباس بود
یه فضای غرق گاز
من رو عقب تر برد لحظه ها
دیدم

همخوان

با انقلاب رنگ روی صورتک ها
سبز ها سرخ ها زرد ها بنفش ها
دیروز رو انگار شکست داده فردا
تن ها تنهان بی جذام امن ها
با انقلاب رنگ روی صورتک ها
سبز ها سرخ ها زرد ها بنفش ها
دیروز رو انگار شکست داده فردا
تن ها تنهان بی جذام امن ها

بخش دوم

سرگرد جلو آینه صاف شکسته احساس
مقابل نقابش میگفت
من جنگیدم اونجا که از
زمین مرده گرگ گشته روید
من جنگیدم مجروح و زخمی پر از
سرب و گرده خونی
من زمین روحم رو کشیدم به سیم خاردار
واسه عشق گل
و کشتم برای زندگی و از
خاک مرده رز مرده روید
اولین مرز رو ساخت کاشف تجاوز
برابریتون دروغ بود حاصل تمارض
می دریدید زیر لباس فرهنگ
تازیخ تکرار زور بود جاکش تناسخ

آدم دو دسته ان یا تو سرگذشت مردن
یا دیدن این زور رو توی لحظه دست بردن
شما توی مکر عقل من تو لحظه دست بردم
همه لاشخورا رو کشتم از خودم شکست خوردم
لای توله های خون خوار پیر پر پروار
آقازاده های خوک زیر کت و شلوار
نفس نمی کشیدید اگه بودید جای ما
تو پتوی حریریتون ندیدید سرما
شما نه مال جنگید نه مال دعوا
ما آغوشون باز بود همیشه رو به فردا
اما مرز واسه زوره چه با تاج چه بی دربار
سگ زرد برادر شغاله سرباز
یه شیر که خودش رو می دره تو تنگنا
یعنی که خسته است از جوییدن گفتار

این رو گفت و درجه اش رو آویخت رو تنش
باز کرد گاز رو بعد خوابید رو تخت
تجزیه شد از بدنش پخش شدن رنگ ها
جمع شدن تو اندام لخت صورتک ها
زمان برم گردوند به لحظه
رفتم رو راهرو بس جذام و زخمهام
دیدم

همخوان

با انقلاب رنگ روی صورتک ها
سبز ها سرخ ها زرد ها بنفش ها
دیروز رو انگار شکست داده فردا
تن ها تنهان بی جذام امن ها
با انقلاب رنگ روی صورتک ها
سبز ها سرخ ها زرد ها بنفش ها
دیروز رو انگار شکست داده فردا
تن ها تنهان بی جذام امن ها

پایان

۱۰- قاتل یا مقتول؟

شعر و اجرا: سورنا

آهنگساز: آتور

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ



بخش اول

خودم رو شناختم وقتی سختی به گا میداد
فقط با تلخی یه سوال
اینکه هر چی میگذره
از عمرم کم میشه یا زیاد؟
زندگی میخنده بهم میگه
سرشون زیر آبه همیشه ماهیا
خبر بعد رو میده پیک بخت
تبر بزن به ذهنت نترس
سال بعد یه آدم دیگه
میده به ذهنت خطر
تنم رو رو موج کشیدم
تا شاید اوج بگیرم

بین

خودت رو رها کن
همه لحظه ها کشته می شن
دیدم یه گناهکار تو منه
یه صدای تار تو منه
تا ته قلبم رو تف میکنه
می ترکه بغضم من دیدم این بیمار تو منه
اگه درست نبینه
پام رو این پدال میشه له
! اگه دو ثانیه قبل ترمز نگیره
!من ترسم با نقاب هرزگی ؟
!یا هرزه با نقاب سر به زیر ؟
آزادی مطلق یه برده
!واسه انتخاب بردگی ؟
از وقتی بردم پی به جسم
شدم این میل انگار
هر چی که بود رو کوییدم
مثل انفجار هسته ای
این جنون تو محاصره من بود
بی رعایت فاصله مطلوب
اما جالب اینه آغازم لحظه خاتمه من بود

اون غرق توی دریا
من مست تو اسکله
من مست توی دریا
!اون غرق نوی اندوه از دور روی سکو
حالا سوال اینه
اون که خودش رو می کشه قاتله یا مقتول ؟
حالا سوال اینه
حالا سوال اینه اون که خودش رو میکشه قاتله یا مقتول ؟!
حالا سوال اینه
هنوز سوال اینه

خودم رو شناختم وقتی سختی به گا می داد
فقط با تلخی یه سوال
اینکه هر چی می گذره
!از عمرم کم میشه یا زیاد ؟

پایان

۱۱- گل سرخ

شعر و اجرا: سورنا

آهنگساز: سعید دهقان

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ



بخش اول

ایستاده بود رو به امید
و پس پشت می رفت توی سرخی
غروب رو فرو کرد تو کوله پستی اش
دستهای زوری که آلوده بود به خون خورشید
روح جنگ از نفس های ما نریخت
دست ها از دستهای ما نریخت
ما زنده ایم تو سلول آزادی
که کولیان رها ترن از مرزهای آهنین
با زخم قامتش غمرد
نامه اش رو دزدیدن اما پاکتش غمرد
رویا تو یه غروب ساحل رهانش کرد
ایستاد و باورش غمرد
تو صورت مرگ نگاه با نبض های خون
معنای عظیم زندگی بود با زخم های پوچی
از رو خونه خراب رد شد
هرگز ترس فردای موهوم رو باورش نشد
بیرون از هر نوع انجماد
با اشتیاق آغوش نه احتیاج
واسه قدرت تو دست اجتماع
واسه فهمی از شدن پایان اعتیاد
این گلوله ها که مرز رو داد می زدن
و سینه ما که واسه هر شکار می تپید
سر کشیدیم نور رو جرم شناسی شد
و مستبد که نور رو دار می زنه
واسه

اونجا که تلخ می شد حرکت

به قد نخ می شد رفتن

من فهمیدم از نو تپش های قلبم و

قدرت رو دیدم وقتی هر زخم می شد حرکت

نفس تو حصار بته

ما نخواستیم زندگیمون تو اجاره بمونه

تیر زدن تو سینه هامون یادت بمونه

گل سرخ فردای خونه ها ادامه خون ماست

همخوان

انتهای هر کوره راه
یه جایی توی قعر مخروبه ها
یه سیل درنده اندوه ما
میشه یه خیزش تپنده نذار سد رو به ما
انتهای هر کوره راه
یه جایی توی قعر مخروبه ها
یه سیل درنده اندوه ما
میشه یه خیزش تپنده نذار سد رو به ما

بخش دوم

گفتم من آماده جنگم تو اندوه ترین فردا
بی رنگ ترین و معشوقه ام این رنگ هان
فکر میکردم به این سوال مبهم که
با چی دستهای ریخته رو می شد
از رو زمین برداشت

گذشت تا خیزش تباهی

موند تخیل و بینش نما

چقدر عوض می شد

مساحت زمین خونه های مرده بعد ریزش بنا

خلط می شد رویا رو سینه مکان

وقت سرفه ملال از تو ریه زمان

جهان اندیشه هامون رو شکستن

زنده موندیم تو اندیشه جهان به عشق

نجاتم بده

تا تو این جریان تپنده همراه شم

زندگیم درد می کشید

هر تلاشم به بمبست می رسید

و دیدم انتهاشم

من حفظم که سطر سطر شعر به قعر زد

طلسم شدم به رعشه

من رو نفرت یه لحظه

طعم مهر هم رها نکرد

و بالا تر از سرکوب مترم شکست

مثل سقف خونه مون و باز

تکرار باد کند کف لونه مون رو
ما.....

مرد طراوت و از فشار

سرمامون قطب نما یخ زد

اما دیروز رو کنار می زنه

این لحظه که داره ما رو مثال می زنه

یه عمر بیهودگی رو فریاد می زنه

اون دستی که آفتاب رو شلاق می زنه

هر سو یه قامت و هر بدن یه سازه

یه آوازه سرود باد و رقص شن

نگاه کن اندام کوچه ها رو

که رقص رو نمی شه با

گلوله ها هدف گرفت

همخوان

انتهای هر کوره راه

یه جایی توی قعر مخروبه ها

یه سیل درنده اندوه ما

میشه یه خیزش تپنده نذار سد رو به ما

انتهای هر کوره راه

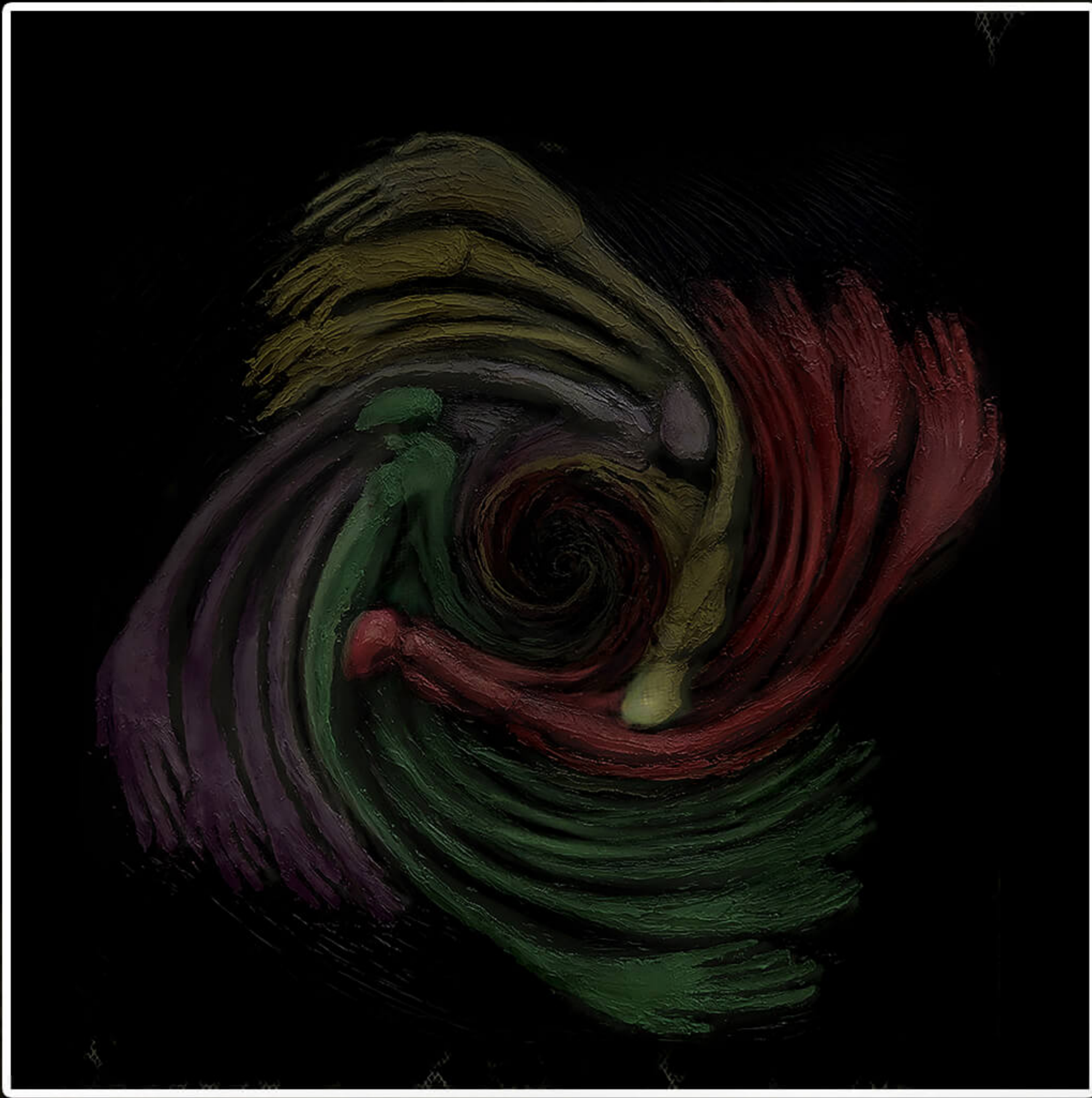
یه جایی توی قعر مخروبه ها

یه سیل درنده اندوه ما

میشه یه خیزش تپنده نذار سد رو به ما

پایان

۱۲- چرخش رنگها



اجرا: سورنا، سارا بیگدلی شاملو

آهنگساز: سعید دهقان

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ

بخش اول

بالا تر از خیابون و پر دود سرخی
گسسته از شلوغیا پشت کوله پستی ش
سپهر آسمون بود پر رود امید
تنش گرگ و میش لبش رژ خون خورشید
شهر تیر توی زنانگی می زد
اون تو خلوتش به یادی مردی بود
اون نمیخواست تو سنت گا بره
زمانش رسیده بود نقب بزنه تا دل حوادث
وقت رسیدن توی نبض چکیدن
یه مرد که زن میشد لحظه دیدن
سپهر سالهاست که عاشق چکاده
چکاد فرزند مادر افسرده بود
دنبال زنانگی مرده اش
به زیر سیلی زندگی
یه کوه شده پر از سنگ های خرد
یه مبارزه تو روزه
ولی شب زیر نفوذ
یه زوزه مرموز می سوزه
وقتشه آتیش عشقشو بالا بیاره
چکاد سالهاست عاشق سوزه
سوز یه شعره فراری از شاعره
که سالهاست تو وهم تخیل وزیده
پر از تنفر از شهر آلوده به دوده
پر از تنفر از مرز قانون رو شکونده
گاهی فکر میکنه یه فاحشه تنهاست
گاهی دنبال نمایش یه فرداست
اما وقت وزیدنه یه بار واسه همیشه
سوز سالهاست که عاشق حواست
بیزار از زنی ات یه تمدن اسیری
از این فرهنگ پیر و از این تسلط پذیری
می زنه بیرون از تو ساعت یه شهر
بدنبال یه زن می گرده تو قامت یه مرد
یه هبوط به چهره
حوا بدنبال مهره
وقتشه که خودش گاز بزنه گناهو
...! حوا سالهاست که عاشق سپهره

همخوان

ما پاره پاره های روح مجروح شهریم
گسسته از استبداده پوتین یه بیمار
یا غیرسیم اون جوری که دل می خواد
یا می رسیم همیشه روزی ک نمیخوایم
با اخطار داس آسمون رو ساده پر نکشد
هویت گناه جنسیت و سرزنش
به دایره به دورمون با هر تنش
تا از ترس قائده خفه بشیم تو مرکزش

همخوان دوم

آبی شیم از تاریکی گریز
روسیاهی از ما نیست
...سفید عشق بی شک

بخش دوم

تو تئوری خنثای تحمیل جسم
سپهر عمل کرد به تغییر جنسیت
شد یه دختر به عشقش خاتمه نداد
یه ظرافت زنونه ساخت به خاطر
چکاد
که به خاطر سوز تن به فاصله نداد
و یه مرد شده تو قامت یه زن
و سوز
زن شد تو قامت یه مرد
که حوا رو بگیره به خاطر هواش
و حوا
نقاب از چهره گرفت
مرد شد به عشق سپهر
میگن تمش چی میشه چی؟
چرا ما همیشه دیر می رسیم؟
عشق مثل یه کاغذ باطله
پس از دور باطل دور زخم جاذبه هوس شد
و حوا

احساس کرد که سوز رو می خواد
و سوز
...! چکاد رو خواست جهت دایره عوض شد

همخوان دوم

آبی شیم از تاریکی گریز
روسیاهی از ما نیست
...سفید عشق بی شک

پایان

۱۳- انفجار رنگها

شعر و اجرا: سورنا

آهنگساز: فرشاد

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ



: بخش اول

زرد مثل پاییز خط ریزش برگها

مسیر تنگنا تنگنا در تنگنا

خفه مثل فریاد یه سگ

توی دور دست بیراهه کور

یه دیوار و نمایش دور

از درون درون مرزها

یه مرد خمیده به زانو

کشیده صورت از فریاد

سرشو هل میده پایین تر

با فشار دست هاش

مرزها بوم ها و نقش ها

خون نسل ها نسل ها بعد نسل ها

زوزه سرما

سان و رژه سربازان

زنی با لباس برگا دستشو کرده تو واژنش

از بالا

یه واژنه که دست برگا

با سوز رفته از سر تا پاش

و سیمرخ آزادی رو تابلوی مرگ پرواز

شلاق توی بوم هنوز میخوره رو تن سرخ برده

و بردار داد می زنه که باید واسه صلح بچنگه

اثر قهوع یه جذامیه که دستشو تا مچ خورده

تیکه های انگشتشو روی پاش بالا آورده

: بخش دوم

باید بزیم بیرون از خفگی

ما فردا رو میخواستیم واسه مهر

نه تو این سالن مرده چکاد

با این همه تن پاره به چرک

این جا درون ماست

این چرک همه جا ایستاده به سحر

حتی بیرون بری ازش

اون درونت ایستاده سپهر

سوز چرخید و گفت اینجا هنوزم میشه وزید

این نقش هم آغوشی زیباست

بچه مرده اش هم میشه ندید

حوا سرد شد مثل نفس از زیر زمین

گفت این طرح اجداد مرده ماست

باید منفجرش کرد همین

طوفان رسید از راه دوباره زنده شدن اشباح

توی جنگ عقاید واسه کندن پایه ظلم

این موزه روگسل هاست

لرزیدن طرح ها

دوباره افتاد روی تنشون سایه ظلم

می ترسن از تفاوت انگ می زنن به هم هر بار

جمع میشن تو دروغ وحدت

یه گوشه آماده صلح

یکی میشن مثل اجدادشون

واسه جنگ با اجداد

جمع شدن رنگ ها

این بار تو اندام یه بمب

: بخش سوم

پریدم از تو ذهنم

پشت پنجره زده سپیده

چیزی یادم نمیاد

انگار یه بمب توم ترکیده

تیر می کشه دندونم

یه زخم چرکیده

باید رقصید و بس

از یه گره به گره دیگه

غی خوام مسکن من آزادم برا سرما

می میرن همه مقصد ها

و باز می شم سراسر راه

جنگ قتل پروازه

درجه رو دوش مترسک ها

من نه فردا رو می خوام با دیروز

... نه دیروز رو برا فردا

۱۴- صائقه

شعر و اجرا: سورنا

آهنگساز: سعید دهقان

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ



بخش اول

تو ذهنم لحظه لحظه صائقه است
یه دنیای تازه تو راهه پس
تصویرا می میرن تو قاب عکس
لحظه ها می میرن تو حافظه ام
یه مبارز سرسخت ساختم از خودم
یه کرگدن که شهر رو می کشه تو دماغش
باید بدم به دست مرگ زندگی رو فکر کنم به رقص
نمیخوام بلیطم رو پس بدم
یه جایی از شعر زندگی نیست خوندنی
اونجا که لحظه هات رو توی سوزوندنی
یه عفونت سرگردون بین سنت
که نه میل به رفتنی نه استحکام موندنی
یه جا که باید همه چیزات رو ترک کنی
انگار که توی سرما به لباست هم شک کنی
یه جا که باید قبول کنی حوادث رو
و بزنی تو صحنه هر جوری که شد هر طوری
آدما لحظه ها رو می کشن پشت هم
اکثرا بزدلن
اینا به تخمتم
یه جایی از خودت می پرسی که یا باید برده باشم
یا خودکشی بکنم یا کشته شم
تصمیم من همینکه باشم
مهمم نیست از گله ها جدا شم
یه جا میگی نشد اونی که میخواستید
مهم اینه شدم همونی که خواستم

همخوان

این سیر فقط زخم ساده نیست
سراپا تو لحظه های ریسک
می سازیم رد پا رو تیغ
جهان ما لای چند تا بند ساده نیست
نگاهت به قهرمان و لردته
یا زیر چشمای شرت می کشی سرمه
می سازی معنا رو با حرکت
یا بسته شدی هنوزم به تخت خواب هیچ؟

بخش دوم

هر آزاده رفته مست تا ته سقوط رو
مفت نمیدن به دست باور صعود رو
یا عر بزن مثل جدت به بردگی
یا پرت شو بدون ترس تا ته سقوط رو
ما که نیممون خطره
نیممون تباهی
اما زنده موندیم بین غبار قوانین روستاتون
که میگان هم رو دوباره از پایین
واسه بیچاره ها می سازن وجدان اخلاقی
اما تازه شروع این حوالی رو رفتیم
این واسه شما که توجهان غمادینه غرقید
می زنیم تو هر چی واسته روبه روی زندگی
ما جنگیدیم... میجنگیمو خواهیم جنگید
من دادم رفت اون که تو بیمه می شناسی
همون حس گوسفند رومیده بخت بتاز
گرگهای واقعی هم رو از برق چشم پیدا می کنن
ما اینجاییم تا دنیای دیگه ای بسازیم
تف به این انحصار و رسته
تف به افتخار و دسته
ما مهره های چوبی نیستیم
خسته اما بر حق می زنیم به صحنه
اون لحظه
که توی راحت عابری نمونده
پری از شک به بودن
همونجا حس گناه رو می کارن تو جونت
نه تو بر حقی پاشو راه بریم هنوز
بگو که میخوره کسی از بالا بهم نگاه کنه
با هر بگونه ادعا کنه
بجنگ یه نیروی عظیم درونت دفته
ناجی نساز ازشون با ضعف تهنش مرگه
یه جا می رسه می فهمی بچه
که زندگی یه کم دی دردناکه رقصه
یه جا که خودتی و زخمت
اونجا می بینمت واسه فسردن دستت
این سیر فقط زخم ساده نیست

پایان

سراپا تو لحظه های ریسک
می سازیم رد پا رو تیغ
جهان ما لای چند تا بند ساده نیست

همخوان

این سیر فقط زخم ساده نیست
سراپا تو لحظه های ریسک
می سازیم رد پا رو تیغ
جهان ما لای چند تا بند ساده نیست
نگاهت به قهرمان و لردته
یا زیر چشمای شرت می کشی سرمه
می سازی معنا رو با حرکت
یا بسته شدی هنوزم به تخت خواب هیچ؟

۱۵- رقاص مغروق

اجرا: سورنا پری اسکندری

آهنگساز: نجوا

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ



بخش اول

می شنوه صدای سوت رو داخل جمع
کم کم سکوت و ازدحام یه جمع
منتظره تا پرده ها کنار بره بعدش
رقص زیر نور و اشش حاضره صحنه
اون با تمرین نکرده بودنش رو اجاره
اجرا میکنه قوم تنش رو بداهه

می رقصه

می رقصه

با سینه سرد

با همراهی یک جمع با دست هایی که سحرن
یه مصرع جوشش ولی با قافیه ترد

می رقصه

می رقصه با شهوت

گلولة در می ره هر لحظه

با قافیه ترس

می رقصه بی مکث

خیس از عرق

میشه پرت حواسش

زیر پاش و همیشه

یک آن

سقوط می کنه به یه چاه پر از نفت

بخش دوم

می شنوه صدای سوت موشک

یه گوشه تیکه شد یه کودک

تو نفس ها سرفه

گلولة بارون بود

پر لاشخور غروب داغون

یه رقاص خم

سرود ناخون کشیدن آزادی رو

در حال مرگ رو تابوت

شنید و جا موند نمونده انسان نمونده قانون

فضای بیمار نمونده دارو و واسه رقاص

میون این همه زخم تحقیر اجراست

همخوان

من یه رقاصم تو تپش های صحنه

که زندم با رقص خمش های لحظه

من یه مغروقم میون چاه نفت

با تن بی رقص و مجروح جنگ

من یه رقاصم تو تپش های صحنه

که زندم با رقص خمش های لحظه

من یه مغروقم میون چاه نفت

با تن بی رقص و مجروح جنگ

من یه رقاص تو صحنه

من یه مغروق تو نفت

من یه رقاص تو صحنه

من یه مغروق تو نفت

من یه رقاص تو صحنه

من یه مغروق تو نفت

من یه رقاص تو صحنه

من یه مغروق تو نفت

من یه رقاصم

من یه مغروقم

من یه رقاصم

من یه مغروق

من یه رقاص تو صحنه

من یه مغروق تو نفت

من یه رقاص تو صحنه

من یه مغروق تو نفت

بخش دوم

زمین تو سکوت وهم آورش

و انسان نتونست هیچ وقت بپرسه چی!؟

تو تصویری از این کره روی دوشش

این زندگی با همین درد پیش رفت به تو رسید

تو آغاز شدی آغاز

آغاز تو لحظه رو صدا کرد

گذشته از توت رد شد

وقتی مادرت با اشک نوزادش رو تماشا کرد

این زندگی پیش رفت به تو رسید

نه حاصل خیر بود نه اونقدری پلیدی

نه رویا های توی ذهنت اونقدری تخیلن

نه واقعیت های دورت اونقدری حقیقی

این رو یادت می ده ستاره های مرده

که وجود فرا تر از جنازه های صلبه

تو می بینیشون هنوزم توی آسمون

این رابطه محیط و هزاره های پشتشه

که امروز گلولة ها و قبيله گرگها

یه پاورقین تو به قد دیدته دنیات

خیلی از رویاهات نتیجه واقعیت و

خیلی واقعیت هات نتیجه رویاست

این زندگی پیش رفت به تو رسید

تو ام پیش برو بدون ترس

هی

ما زنده ایم هنوز تو این سرزمین

همین حضور پر از درد انتهای معجزه ست

نه ادامه جوخه های داریم

نه تاج های مرده و سویه های تار

زندگی سست بی روح اجداد لالتون

نه پس می ندازیم توله های لال

نه آبی آسمونیم نه ارتش های سرخ یکسان

کننده سقف کوتاه عرفتون

نه لرزشای سست ترس چسب هر گناه

نه دروغیم واسه حکومت ارزش های مرده

نذار مرده ها آوازت رو بدزدن

این بوته های بدون روح سازت رو بدزدن

کشیدن ماشه ها به قد شدت گناه ست

نذار ارتفاع پروازت رو بدزدن

زندگی جنگه باورم کن

که هر ثانیه ش یعنی ساخت قامت از نو

نه خط رفت و برگشت با روند آونگ

بردگان که لحظه ها رو دار زدن به ساعت

تو زمانت رو بگیر نده به کرکس

که تقویم مرده اوج رو می مکه به مرکز

واسه عبور از این فصل های ترس

باید غرق شی تو صحنه تا تو نفت ها

برقصی

پایان

۱۶ کی با مازوزه میکشه؟



شعر و اجرا: سورنا

آهنگساز: سورنا, سعید دهقان

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ

بلور نعره شیرهای مستم
جراحت شکار بقا ام
من جنگم هون که می شنوی میگی چی میگه !!؟؟
بعد ... در میری
شدم دریا کردن پیرهن تنم
کشتی کشیدن میخ از تنم
شنا شدم زدم به عمق
من رو کوسه ها نیشم زدن بیخیالش
درد های کودکی شاشیدن رو قلمم
زرد میپاشم روت
میخواهی دستور بگیرم این سیاست خوبه ؟
!!انه

ابر رپر شهرتون
واست عیدی آورد خفه خون
گاییدم جبر جغرافیا
از تاریخ سوغاتی هام
نبود صبح پاشیم باهاش
خورشید رو کردن دولا کیا ؟
شهر تو دست قلایا است
با شما جاکشا کجا پیام ؟

همخوان
نصف بره
نصف سگ گله
کی تو لونه هاست ؟
! کی بیرون از خونه ها
با ما زوزه میکشه ؟
نصف بره
نصف سگ گله
کی تو لونه هاست ؟
! کی بیرون از خونه ها
با ما زوزه میکشه ؟

پایان

همخوان
نصف بره
نصف سگ گله
کی تو لونه هاست ؟
! کی بیرون از خونه ها
با ما زوزه میکشه ؟
نصف بره
نصف سگ گله
کی تو لونه هاست ؟
! کی بیرون از خونه ها
با ما زوزه میکشه ؟

بخش اول
ما خود جنگیم نه جنگجو
بچپ تولونه خونت
هیچ شرخری ما رو نترسوند
!ما رو نبند هشدار
غی مونه سدت تا ابد
نشستی توی سکون با سبد
انگار هر روز می خوابه جدت با نوه ات
قانونتون بوی دار داره
مجوزتون خایه مالیتونه
شکارچی های شوریده
این شهر خیلی وقته بو می ده
ما

آخرین پاییز سالیم
رو صورت سرخ تاریخ کارتون
علف هرز های خوابیده پا رپ
اینکه گاهی کنارمید
تک تکتون رو گاییده دارم
من زخم راهی به کار
انعکاس آینه ها
کلی زخم تو قلب خرام
همه اش رو می ریزم تو شرابم

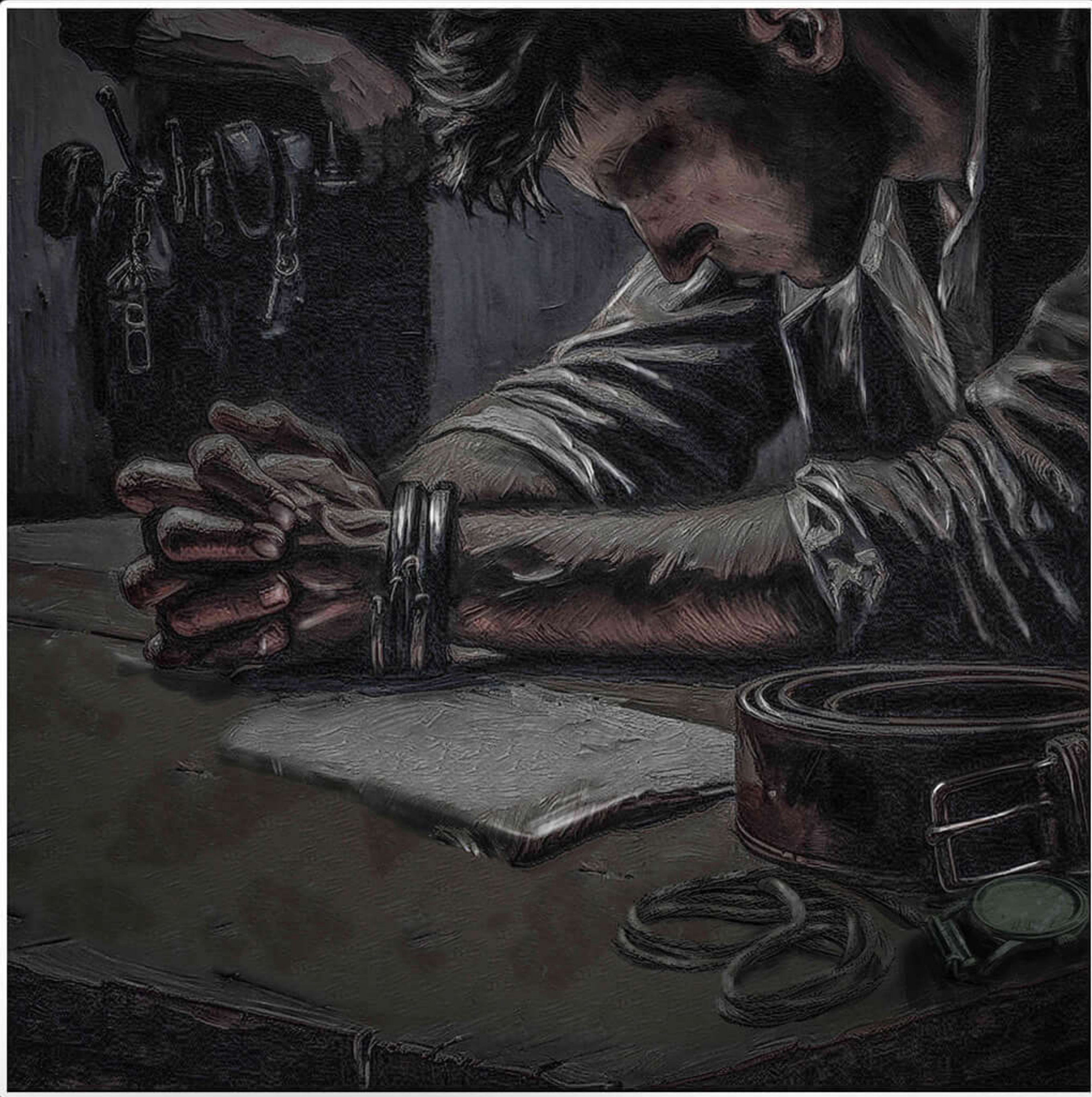
۱۷- می کشن ایست

شعر و اجرا: سورنا

آهنگساز: آتور

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ



بخش اول

به نام خون و سقوط
که زندگیمون تو همینا خلاصه شد
نخواستیم باشیم اونی که شما خواستید
نتوانستید بسازید اون که باس باشید
هوای ما پر از سرب و خونه
اگه سرفه غمی کنید نگید هومون رو دارید
ما نمونه ایم از عوارض بازی
خون خشم هراس و حصار
بیرون
بیرون از زیست انحصاری
واسه سجده به آزادی
تو یه نماز اداری
امثال ما هارن از بیرون و از تو پاره ان
تیکه پاره های شهر رو جمع کن از تو دادم
خون ما ریخت تو تو قوم این جدولا
تف به همه نقابا و شرخراتون
تف به همه زور گوهای دنیا
این تف خونی باشه واسه صورت این حضرات
با ما نگید از فرار
مگه تو دنیاتون جایی بود واس آدمایی مثل ما که
اگه فقط سرمون می چرخید
خودمون رو می زدن ازمون تو این قهقههرا
نه ما دشمنیم غریبه
من نفسم مریضه
بگید از خطر قبيله
من تو خطریم همیشه
رپ کردنم مریضه
ولی تسلیم نشدم من رو تنهائیم کولم کرد
تسلیم نشدم به حواشی دور از ترس
ادامه دادم اما هر بار
بعد چنگ به خلع خون هوا ریخت تو دستم

همخوان

میکشن ایست

راहतو برو با تو نیست
نترس ادامه بده با گریز

راहतو برو با تو بیخ راحتو برو با تو بیخ
میکشن ایست

راहतو برو با تو نیست
همه احساسات رو بنویس
پیک بز با آدم فروشا
لو بده خودت رو با زبونت به پلیس
بخش دوم
بسته شدم به صندلی لت و پار و پاره
اون درگیره که صندلی اش رو کدوم ور بذاره
مفتش اعظم سگ سازمانه
چه می فهمه از سقوط به تی که خاره
جرم نقض قانون
شروع کنیم از نو ؟
دهنش رو وا کرد و لغت به لغت مرد
با خون کلمات مرده سیستم بی احساس
از خفگی می ساخت توتابوت جمله
حکم رو می خونه یه کتابه تو دستش
قانون همیشه از ما پی انتقام شکسته
یه ضعف پنهان پشت له له قدرت
من قدرت عیان بودم با غمیش ضعفم
فرق بین من و تو توطبقه و تخمه
تو طبقه روبردی من به تخممه دستورات
جا تو بودم لباس خوک رو می کردم
اگه جای من بودی میکندن
شلوارت رو از تو پات

پایان

وایستا هنوز مونده خفه بی قانون
ناراحتید گاییدیمتون از کف خیابون ؟
امثال تو آقازاده با ذره بیناتون
چه می فهمید از زندگی ما با طعم سیانور
تو تعامل پرچم های مرده قدرت ها
! شمار کشته ها تحقیقه
صرف تولید یکی مثل تو یه ربات مدرن
که قرآن رو بخونی با صوت تکنولوژی
ما نزدیک توسنت تو صحنه شعر
که توی آقازاده بیرمون سمت بهشت
من از حاشیه میام تا سلطه چپه بشه
تو زل بز با مرکز تا چپ شه چشت
هنر سیاسی پشت زخمیه

ولی سیاست هنری پلیس تفتیش عقیده
سواد مبارزه توزمین جنگه
! بی سوادای بی درد تحصیل کرده

همخوان

میکشن ایست

راहतو برو با تو نیست
نترس ادامه بده با گریز
راहतو برو با تو بیخ راحتو برو با تو بیخ
میکشن ایست
راहतو برو با تو نیست
همه احساسات رو بنویس
پیک بز با آدم فروشا
لو بده خودت رو با زبونت به پلیس
ایست
راहतو برو با تو نیست
نترس ادامه بده با گریز
راहतو برو با تو بیخ راحتو برو با تو بیخ
میکشن ایست
راहतو برو با تو نیست
همه احساسات رو بنویس
پیک بز با آدم فروشا
..لو بده خودت رو با زبونت به پلیس

۱۸- طغیان

شعر و اجرا: سورنا

آهنگساز: آتور

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ



سلامتی شرا لا جمع بی وجودا
واقعہ تو راہہ پیک رو بریز
برید از ترس لای تنہ اش
ما تصادف می کنیم با ہمہ اش
زندگی یہ مادر فاحشہ بود
یہ تناقض محض و یہ آرہ جور
ہمہ گمید تو سحر خونہ
بیرون رو کیہ کہ مصر بتونہ ؟
یہ زندہ سرخی کہ شعر خونہ
..... کہ حتی عاشق بشہ توی

همخوان
از کف شهر
رو مرز ترس
می کشیم قامتون رو تا طغیان
از سازه ها آواز ما
بی ناله پاره میکنه طغیان

پایان

از سازه ها آواز ما
بی ناله پاره میکنه طغیان
بخش دوم
پات رو از تو قائده بردار
خونہ ات رو بہ گا بدہ سرما
کہ نخور واسہ شاعر فردا
تو تھش آگہ بشہ بشی جاکش دربار
اون کہ میخندہ جالبہ تنہاست
و گریہ ام می کرد گدای یہ معنا است
بین ما شر زاییدیم
!قد زخمای فاحشہ تنہا
رقص ، رقص با نقص
از خطر زندان تا اثر شعرام
من یہ تیزی ام وسط تھران
فرقہ طنابی کہ اعدامی میخواد
با غلادہ ای کہ بہ گاری می تازہ
مرز تجاوز اداری بود اما
حرم یعنی پات رو بذاری میگام
کف اینجا لیزہ با شیب
باس بلد رقص پست میلہ باشی
اینا کہ فتیشہ
رقص ما جاخالی تیرہ لاشی
خلع من گلولہ پر بود
پر نمیشد با یہ بوسہ سر زود
دوبارہ دست ها و گونه سرخ موند
نمی چرخم با سوت دکور
بلند
کش دار
مثل الکترون های بی مدار
پر از احساس
ریزش یہ آوار بی قرار
تو بغل قید روبگیر
!ما جنگل رومی گاییم کہ ہی کنہ شیر

همخوان
از کف شهر
رو مرز ترس
می کشیم قامتون رو تا طغیان
از سازه ها آواز ما
بی ناله پاره میکنه طغیان

بخش اول
این واسہ کشتار لاشیا
واسہ بیداری فردا
واسہ زخم رهای تو بند بیماری مرزا
این متہ درد تو قلب سیمانی فردا
این تیک تیک بی رمق ساعت امروز
ثانیہ شمار دینامیت فردا است
ہی
اونا کہ از دستگاہ سیرن
یا بہ اعتبار قصر راہ میرن
لاشیا کہ توی صف ها گیرن
و تخم و ترکہ اینایی کہ کف خوابیدن
از رسانہ تا مدهایی کہ تھش گا میرن
تا تو کہ رو کون خزیدی من رو کف پا دیدم
از ترس نوشتی رو مین لاشی من
نصف عمرم رو با پوتین خوابیدم
تھدید بی ثمر ماہا نیست بہ صلاححتون
از غلادہ تون بزئید بہ غلافتون
شما کہ مردید با این رپ تھمی
ما تف نکردیم رو میز پدرانتون
کہ رعشہ کشیدن بہ صحنہ ما
و دلتنگ شد ہر بند نگاہمون
تو عصر خدایی گلولہ و مد
من رو دستگیر کن بہ جرم خلع لباس

همخوان
از کف شهر
رو مرز ترس
می کشیم قامتون رو تا طغیان

۱۹- مخونیم واسه طاغیا

شعر و اجرا: سورنا

آهنگساز: پویار

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ



بخش اول

ما اسم رمز رسیدن به
بهاریم تو دل زمستون
بنوش با مرده های زنده ات
زنده مرده هات رو بده بره به گورستون
به جای ناله بی باورت
توی دنیای ویرانگرت
بجنگ با هر شکل سلطه
باور کن جنگ ما تو خاک بی داوره
که منزوی خمه

واسه حقش و سهمش
اما دستها میگیرن
همین فهم من از جنگه
که رحمی ندارن به تن پاره ها
ما رحمی نمیکنیم به لجاره ها
ما تنها به گاه رفتیم
همراه به گاه میدیم

هر کی با هر لباس هر جا بخواد
درد باور رو به دود نخ سیگار غروب
زدی تو وجودت تو خونه تو سرودت
با خون خوابیدی بیدار با سوت اتوبوس
اما به زخم هات ترحم نکن نه
نه به جنون غرق به خون
نه به زور نه به پول
نه به دروغ رنگی نور
نه به هیچکی ترحم نکن
من از کف خیابون دیدن اصل رو تمش
اینا میخوان برعکس کننت
تا با ترس هات وصل کننت
تا با چسب گناه یکدست کننت
ولی قدرت ما زیاده من های چفت
از خودش تا هر جاکشش
دیدش رو عوض کن با سر جای خشم
می زنه با کله بزنی پا چشش

همخوان

می خونیم واسه طاغیا
اونا که اخراج شدن از شهر لاشیا
تو این زمانه طوفان پوچی
ادامه دادن ما یعنی باور به ابتدا
می خونیم واسه طاغیا
اونا که اخراج شدن از شهر لاشیا
تو این زمانه طوفان پوچی
ادامه دادن ما یعنی باور به ابتدا

بخش دوم

جمعه جمع جاکشا تو مجلس میش
ما با گرگا می جنگیدیم تو با ما ضد چی؟
فاشیست ترسوی بی ریشه
به درد میگی ناله به نقد میگی کلیشه
روشنه حدمون با اتکا به مرز
تعهدی که نیست قد ارتفاع قدت
ساده ردت روشنه از خط خون
از قنوع بعد میل اسفراغ جدت
اون که باید اجازه بگیره
که می خوره از آزادی یه جامعه میگه ها؟
ما باور داریم به حرکت از پایین
حضرت بعدی رو بده تا جنازه بدیم بهت
من جریان طغیان خط خون رو زخم
تو با عبا می سابی تاج سرنگون رو؟
فرزند جنگم از کف خون و فقر
شاید باید با شر شرتون روکم کرد

همخوان

می خونیم واسه طاغیا
اونا که اخراج شدن از شهر لاشیا
تو این زمانه طوفان پوچی
ادامه دادن ما یعنی باور به ابتدا
می خونیم واسه طاغیا
اونا که اخراج شدن از شهر لاشیا

تو این زمانه طوفان پوچی
ادامه دادن ما یعنی باور به ابتدا
چشات روبند وقتی هیچی نمی بینی
پشت این بت های پیچیده چیزی نیست
آینه ها پر از گرد و غبار سلطه ان
اونی که هستی بزرگ تره از چیزی که می بینی
چشات روبند وقتی هیچی نمی بینی
پشت این بت های پیچیده چیزی نیست
آینه ها پر از گرد و غبار سلطه ان
اونی که هستی بزرگ تره از
چیزی که می بینی

پایان

۲۰. شب سرد کلانشهر

شعر و اجرا: سورنا

آهنگساز: سعید دهقان

میکس و مستر: سعید دهقان

طراح جلد: گروه دژ



بخش اول

تو شب سرد کلانشهر
برف انبوه بسته بود ارتباط و راه رو
ماشین ها سخت می دیدن جاده ها رو
پیاده ها گم کرده بودن خط عابرا رو
تو شب سرد کلانشهر
یه سیل متراکم جمع در حال حرکت
تو مسیری همیشه و
دختری با رز های سرخ وحشی
رسید به مقصد
مقصد ایستگاه سرد انتظار بود
و دختر مدام به ساعتش نگاه می کرد
زمان گذشت تا سوز باد
رز های وحشی رو رام کرد
تو شب سرد کلانشهر بود
تو دست سخت زمان غرق شد
آتش درون رو سرد کرد و سرد کرد
دسته گل رو پرت کرد و برگشت

همخوان

اما دوباره می رقصن
اونا که دوباره رو دوباره می فهمن
می سازیم صورت نو بهتر از قبل
نگران نباش و بگذر از درد
این که نسازیم چیزی نمیشه
با اینکه وقتی هم میسازیم می ریزه دیگه
حل شو با قنوت تو وجود از الان
همیشه طلوع از ماست
همیشه غروب از جهان
زندگی پر از راه و دام های عظیمه
پر از بیداری های تلخ و خواب های غریب
و این زیبا ترین شکسته
پر از ناکامی پشت این کام های عمیق
اما حق گرفتیه نه دادنی
اما حق گرفتیه نه دادنی
تو رویش دوباره رز های سرخی
روبه روی سوز بادهای شدید

بخش دوم

از میون این ورود بی مناسبت
از میون رنج و درد بین چی مبارزه است
آخرین زخم تو گوش سرد ما میگفت
که زندگی یه شاهکار بی مقایسه است
ما در دامونو مشترک شدیم زمان به ما
داد امکان اشتراک درد رو واسه رقص
وقت تصمیم و وقت راه سخت
آزادی یه شاهکار بی مقایسه است
ما رشد کردیم تو خشک سالیهامون
شدیم لوح تاریخ با مداد جغرافیامون
سخت گذشت بر ما
بی رخت گذشت سرما
اما همیشه واسه گل کاری جا بود
خطر شکست نظم پرواز پرنده بود
وقتی بعد هر سقوط آواز مرگ رو می سرود
وقتی پرواز پر از بیم و حادثه است
این کوچ مرگی شاهکاری بی مقایسه است
من مرگ های زیادی دیدم توی زندگیم
و فهمیدم بی پایان هیچ آغازی زنده نیست
این واقعیت شاهکاریه
من روح مرگ رو دیدم تو بدن زندگی
مرگ که تنها ترین برنده بود
پشت قوم لبخندها به خنده موند
مثل صورتت تنها گل زندگیت
که جای زخم یکی از گلبرگ هاشو کنده بود
تو باید زرد بشی بریزی
تا که سبز بشی بچینی
باید سبز بشی بچینی
تا که زرد بسی بریزی
نگران نباش و بگذر از درد
که کل زندگی همین مسیر یکطرفه است

بخش سوم

ما رو حفره هامون میکشن به حرکت هنوز
هدف هایی گم شده که هیچ وقت اصلا نبود
هیچ کس از پشت کوه ها خبری نداری
شاید اتفاقی پشت کوه ها اصلا نبود
خلع ما به خلع هم دیگه وصله
پذیرش این خلع ها آغاز رقصه
باید بسازی تا خراب شه از صفر
من فکر میکنم زندگی تصادف محضه
با لحظه به لحظه زمان که بی رحمه
عدل و آزادی ماهی گریزن
اما باید صید پوچی رو بفهمه دستت
بگذر از خلع تا آغاز شه رقصت
مست شو خودت رو از ترس پس بگیر
نفس شو دوباره محو رقص شو
بین رقص شو حقت رو خشم کن بگیر
دست شو
گسست شو
کشف کن
بمیر

پایان